

جدی در سپیده دم تاریخ

برج جدی بمثابه مهمترین ماه و نقطه عطف در تاریخ معاصر کشور ما میباشد. به این معنا که یازدهم جدی ۱۳۴۳ مصادف است به تاسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان، ششم جدی ۱۳۵۸ مطابق به روز نجات مردم افغانستان از استبداد طاغوتی حفیظ الله امین و بیست و سوم ماه جدی ۱۳۵۸ برابر است بروز تاسیس اداره خدمات و اطلاعات دولتی جمهوری دموکراتیک افغانستان.

سالروز های گرامی این سه رویداد بزرگ و تاریخی را برای رفقای محترم و کلیه دادخواهان وطن دوست کشور تبریک و تهنیت گفته موفقیت آرزو میکنم.

تاسیس حزب دموکراتیک خلق افغانستان آغاز فصل نوینی در تاریخ کشور ما بوده و نقش ح.د.خ.ا. در گستره انکشاف فکری و جنبش سیاسی داد خواهانه افغانستان نقش اساسی و یک واقعیت انکار ناپذیر میباشد. درست نیم قرن و اندی قبل، زمانیکه ۳۵ سال از دوران حکومت استبدادی نادر- ظاهر میگذشت، در افغانستان هنوز مشکل نبود نان خشک حل نشده بود. کشور همچون آرامگاه خاموش برای سکنه ی نیمه بیدار خود در حالت سکوت قرار داشت. جنبش مشروطیت یگانه جنبش آزادی خواهی و عدالت پسندی قبلاً سرکوب گردیده بود. آزادی خواهان در باستیل های دهمزنگ، سرای موتی و سیه چال های ارگ همانند مرده گان متحرک نفس می کشیدند. در کشور عقب نگهداشته شده ما جهل، مرض، فقر و استبداد بیداد میکرد. در شرایطی که جهانیان پله های ترقی و تعالی را طی نموده بودند ولی ملت افغانستان برغم داشتن کشوری دارای خاک زراعتی حاصلخیز، سر شار از منابع طبیعی و مردم با استعداد و مستعد بکار و تحصیل در همان پله اول یعنی در زیر خط فقر قرار داشتند.

با وجود یک سلسله تغییرات و تحولات مثبت و ناچیز از طرف حکومت، مگر با توجه به اوضاع رقتبار جامعه، مردم افغانستان در میان مرگ و زندگی و در شرایط سختی بسر می بردند. در بخش اقتصادی مردمان بعضی از ولایات شمال و شرقی و جنوب غربی کشور از شدت فقر و تنگدستی مجبور بفروش فرزندان خود گردیده بودند. در دهه پنجاه خورشیدی برای بسیاری مردم کشور حتا نان جوآلوده به گیاه تلخ هم میسر نبود. کار امور زراعتی بشکل سنتی و با همان وسایل ابتدایی گاو و آهن جریان داشت. کسب گران و دهاقین توسط فیودالان بیرحم تحت استثمار شدید قرار داشتند ظلم ژاندارمری، فساد اداری، رشوت و اختلاس سرپای دولت را فراگرفته بود.

بهره کشی انسان توسط انسان عرصه های زندگی را برای طبقات مظلوم و محروم کشور غیر قابل تحمل کرده بود که بالاثر آن توده های مردم روز بروز خانه و کاشانه خود را ترک نموده راه مهاجرت را در پیش گرفته و به صفوف فقیران مسکینان و بردگان می پیوستند. شگاف بین طبقات

بالایی و نادار از حد گذشته بود. در بخش صحت عامه برای مریضان علاج و درمانگری متناسب نفوس کشور وجود نداشت. تمام مریضی های مردم بی بضاعت با استفاده از گیاهان، طب سنتی و به اخذ طومار و تعویذ، پُف و چُف حواله میشد. بقرار احصایه همان سالها در حد اوسط برای هر یکصد هزار نفر یک شفاخانه و دو کلنیک که تعداد داکتر های معالج آن به شمار انگشتان یک دست نمی رسید. در بخش معارف و فرهنگ رژیم شاهی استبدادی چشم وطن را از دیده بان تمدن و فرهنگ جهان پیشرفته مستور و عقب نگهداشته بود. طبق احصاییه در اکثر ولایات کشور برای هر یکصد هزار نفر یک باب مکتب لیسه دو باب متوسطه یا ابتداییه و دهاتی وجود داشت از اخبار و مطبوعات در بسیاری ولایات خبری نبود و از لحاظ سیاسی افغانستان را منزوی، سربسته و دور از انظار جهانیان قرار داده بودند. مردم از لحاظ اجتماعی به فرقه های مذهبی، قومی، سمتی و زبانی تقسیم گردیده و سیاست تفرقه انداز و حکومت کن حکمفرما بود و افغانستان بیک کشور متروک در حالت انزوا و دور از روابط عادی اقتصادی و سیاسی جهانی قرار داشت و هرچه از تولیدات داخلی بدست می آمد خوراک اعلیحضرتان والا حضرتان، شیخ و شاه و مشایخ، خانقا، میر و ملک، ارباب و ملا، خان و ملاکین و هزاران مفتخوار دیگر میگردید.

با اینصورت در جریان رشد مناسبات تولیدی سرمایرداری مبارزه اجتماعی میان طبقات استثمار گر و استثمار شونده اوج میگرفت. تضادهای درون جامعه پیوسته تشدید میشد بقول محترم دستگیر پنجشیری، مبارزه اقتصادی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان با مبارزه سیاسی آنان تلفیق می یافت. سازماندهی اجتماعی بخاطر تحولات اجتماعی و نیل به اهداف سیاسی آغاز می گردد سازماندهی تشکیل احزاب سیاسی از جمله عالیترین شکل سازماندهی طبقه کارگر و تمام زحمتکشان بوجود می آید.

در چنین اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و شرایط ملی و بین المللی وارثان و ادامه دهندگان سنن مبارزات دموکراتیک و ملی مشروطه خواهان و جوانان و روشنفکران احزاب و سازمانهای سیاسی ویش زلمیان ندای خلق، جمعیت وطن و دیگر حلقات سیاسی چپ مترقی درفش مبارزه ملی و دموکراتیک زحمتکشان را برای نخستین بار بتاريخ ۱۸ سنبله ۱۳۴۲ خورشیدی بنام کمیته تدارک بر افراشته بودند. که بنام کمیته سرپرست نامیده میشد. کمیته تدارک کنگره موسس ح.د.خ.ا. برای نخستین بار در جمال مینه کابل در منزل کرایه زنده یاد ببرک کارمل دایر گردید. و یکسال پس از آن از میان حلقات سیاسی زمینه های تدارک کنگره موسس بتدریج فراهم شد و نخستین کنگره جمعیت دموکراتیک خلق افغانستان بساعت دوی بعد از ظهر ۱۱ جدی ۱۳۴۳ خورشیدی در شهر کابل تدویر یافت. نور محمد تره کی بدلیل سن بیشتر و رسوم پسندیده، بحیث منشی اول حزب و ببرک کارمل بصفت منشی دوم یا معاون حزب انتخاب گردید.

تاسیس ح.د.خ.ا. چون ستاره ی در آسمان سیاسی افغانستان تابیدن گرفت. اصول کلی مرآمی حزب که در جراید «خلق» و «پرچم» نشر شد عبارت بود از دفاع از استقلال تمامیت ارضی حاکمیت ملی کشور تمرکز قوای دولتی در دست مردم و حکومت دموکراسی ملی، تامین حقوق و آزادی های مردم و اقشار زحمتکش، انکشاف اقتصادی راه رشد غیر سرماییداری و تقویه سکتور دولتی، دفاع از حق خود ارادیت مردم پشتون و بلوچ تعقیب سیاست خارجی مستقلانه و صلحجویانه، دفاع از صلح جهانی بیطرفی مثبت و فعال.

همچنان اصول اساسی و اساسنامه حزب را عضویت داوطلبانه کارگران دهقانان سایر زحمتکشان و روشنفکران وطنپرست و ترقی خواه با روحیه سنترالیزم و دموکراسی وفادار به اصول انترناسیونالیزم پرولتری تشکیل میداد. پس از تاسیس حزب دیری نگذشته بود که حفیظ الله امین همچون مار سیاه از آستین حزب سر برون کرد و انشعاب را بر حزب تحمیل نمود ولی نتوانست که جریان مبارزه را متوقف سازد تا آنکه پس از دهسال جدایی حزب در سال ۱۳۵۶ با (فشار) در واقع (بوحدهت میکانیکی) نایل گردید که با رویداد ثور ۱۳۵۷ منجر به تحولات سیاسی گردید.

ولی امین بار دیگر مسئولیت شکستن وحدت حزب را بدوش گرفت در گام نخست، رهبران حزبی پرچمداران صدیق کشور را به ترک وطن مجبور ساخت و هزاران سر سپرده حزب را راهی زندانها نموده و سر به نیست کرد امین به این بسنده نکرد و چندی بعد نورمحمد تره کی رهبر خود را نیز به قتل رساند. هرچند ح.د.خ.ا. با صدور فرامین سودمند به نفع مردم گام برداشته بود ولی حفیظ الله امین نا امین حزب را با مردم مواجهه ساخت و برخی از مردم را بنام اشرار زندانی و برخی دیگری را سرکوب نمود تا مردم سیل مهاجرت را بسوی پاکستان و ایران بوجود آوردند. ژاندرمری پاکستان و رژیم آخوندی ایران که چنین روزی را از خدا خواسته و برای تجاوزات شان منتظر بهانه بودند، با سرباز گیری از میان مهاجرین بساختن تنظیم های "جهادی" در مشهد و پشاور پرداخته و به همراهی خرابکاران عرب و عجم کشورما را مورد تجاوز و تخریب قرار دادند. چنانچه پلها، مکاتب، تاسیسات عام المنفعه، دستگاه های برق، فابریکات، دستگاههای صنعتی و زیر ساختار های اقتصادی را بکلی منهدم و نابود کردند. آنقدر وطن را به میل بیگانه تخریب کردند که هیچ مخالفی با وطن خود در تمام دنیا چنین نکرده بود.

در چنین حال و هوا دولت نور محمد تره کی مجبور بود تا از اتحاد شوروی تقاضای کمک نظامی کند که به موجب آن قوای محدود نظامی اتحاد شوروی بنا به درخواست دولت نورمحمد تره کی حتا قبل از ماه جدی وارد خاک افغانستان گردیده بود که تا بعد ها ادامه داشت. اما در داخل کشور حزب و مردم افغانستان که دیگر تحمل حکومت دیکتاتوری امین را نداشتند با رویداد ششم جدی، دولت امین سرنگون گردید.

ششم جدی ۱۳۵۸ روز نجات مردم افغانستان از استبداد رژیم خوننای امین بوسیله زنده یاد ببرک کارمل اعلام گردید. با رویکار آمدن تحول ششم جدی از طرف زنده یاد ببرک کارمل منشی عمومی کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان، رییس شورای انقلابی و صدر اعظم جمهوری دموکراتیک افغانستان، فرمان عفو عمومی زندانیان صادر گردید که برخی از رهبران "جهادی" مانند سیاف و دیگران نیز شامل عفو قرار گرفتند. همچنان مراسم فاتحه در رابطه به کشته شدگان زمان امین خون آشام در تمام مساجد و تکایای کشور راه اندازی شد. پس از آن دولت نو بنیاد مردمی مطابق به اهداف مرامی و برنامه عمل خود در عرصه سیاسی: دفاع از استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور را در سر لوحه کار خود قرار داد و بدفاع از حقوق حقه طبقات و اقشار زحمتکش و مشارکت دادن مردم و عموم ملیتهای ساکن در کشور در بخشهای سیاسی و مقامات تصمیم گیری های سرنوشت ساز که برای نخستین بار در تاریخ کشور از ملیت هزاره صدراعظم و از ملیت های ازبیک، بلوچ، پشه یی، نورستانی و اهل هنود در سطوح وزیر، سفیر، رییس، والی و منشی برگزیده شد. همچنان پایه های اساسی دولت با ایجاد جبهه ملی پدر وطن و تاسیس اتحادیه ها جرگه های قومی و ملیت های مختلف کشور برای نخستین بار در تاریخ کشور رویدست گرفته شد و در عرصه بین المللی با روحیه انترناسیونالیزم پرولتری بر پایه احترام متقابل و همبستگی صلح آمیز، بیطرفی مثبت و فعال و در ضدیت با استعمار و امپریالیزم و طرفدار صلح و برادری و دوستی با خلقهای جهان، وظایف و فعالیت های مهم سیاسی دولت را تشکیل میداد.

در عرصه اجتماعی: دگرگونی هایی بسود اکثریت مردم صورت گرفت و دگرسازی های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیمای جامعه را تغییر داد. چنانچه احیای حقوق و آزادی های دموکراتیک زنان، جوانان، و تمام اصناف و کسبه کاران، ایجاد اتحادیه ها سازمانها و نهاد های انتفاعی و تشکل اصناف، تطبیق سیاست برابری و برادری ملیتهای ساکن در کشور، راه اندازی ساخت و ساز و تامین خدمات اجتماعی متوازن و عادلانه در شهر و دهات برای رفاه زحمتکشان و ایجاد کوپراتیف ها و کلکتیفهای انتفاعی، سازمانها و اتحادیه های صنفی کارگران زنان جوانان ژورنالیستان و غیره رویدست گرفته شد.

در بخش اقتصادی: مطابق به برنامه های اقتصادی ح.د.خ.ا، اصلاحات ارضی و تقسیم عادلانه آب، حمایت دولت از کارگران دهقانان و سایر زحمتکشان، رشد تولیدات و صنایع تجارت و صنعت، تقویت سکتور دولتی، تشویق متشبتین خصوصی، ایجاد کوپراتیف های زراعتی و دهقانی، توزیع مواد ارتزاقی کوپونی رایگان، اعطای قرضه ها، انکشاف ساختمان و نوسازی، تشویق مادی و معنوی زحمتکشان کشور، بلند بردن تولیدات صنعتی و کشاورزی، رشد تولیدات مواد خام و غیره کارهای ثمر بخش از الویتهای کاری دولت بشمار میرفت.

در بخش فرهنگی: گسترش معارف عصری در سرتاسر مملکت، احیای حقوق حقه تمام ملیتها و اعطای حق آموزش بزبان مادری برای نخستین بار در تاریخ کشور، معرفی و اعزام هزاران نفر محصلین دختر و پسر جهت تحصیلات عالی و مسلکی به خارج از کشور، اجباری ساختن تعلیمات دوره ابتداییه و گسترش آموزش سواد در سراسر کشور، توسعه شبکه های اطلاعاتی و رسانی، آزادی بیان، نشر اخبار و مجلات، جراید و روز نامه ها، آزادی قلم و مطبوعات و ساختار های سیاسی مطابق به قوانین نافذ کشور از جمله دستاورد های فرهنگی میباشد.

در بخش تامینات صحی: دولت برای صحت و سلامتی مردم ایجاد شبکه ها و موسسات صحی، شفاخانه های عصری و کلنیک های مجهز با تکنیک و لوازم پیشرفته، اجرای معالجه رایگان و اكمال پرسونل طبی در سراسر کشور. در مجموع دولت برای تامین آب و نان، لباس و سر پناه و صحت مندی مردم با تمام قوت تلاش بخرچ داده است ولی دیری نگذشت که تطبیق پروگرامهای خدمتگذاری بمردم افغانستان، آتش بجان دشمنان سوگند خورده افغانستان شعله ور گردید و آنان بخاطر مقاصد شوم خود دست بدست هم داده منافع علیای کشور را آماج حملات دهشت افگانه خود قرار دادند. چنانچه که گفته آمدیم دشمنان افغانستان بر خلاف همه معیار ها، منافع علیای کشور ما را آماج گرفته و تاراج کردند ولی دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بخاطر دفاع از امنیت، جان و مال مردم، بدفاع از منافع علیای کشور و بخاطر جلوگیری از حملات دهشت افگانه دشمنان مردم افغانستان تصامیم و تدابیر لازم را اتخاذ نمود که به موجب آن اداره خدمات و اطلاعات دولتی: بتاريخ ۲۳ جدی ۱۳۵۸ خورشیدی تاسیس گردید. حزب بهترین کادر های ورزیده را به ارگان خدمات و اطلاعات دولتی معرفی و موظف ساخت تا فعالیت های تخریبکارانه مخالفان دولت را خنثی نموده و از حملات دهشت افگانه جلوگیری و دسایس ارتجاع پاکستان را از ریشه نابود سازند. اداره خدمات و اطلاعات دولتی بمثابه دستیار مطمئن ح.د.خ.ا. و ارگان رزمی آن در محراب حزب قرار داشت که از طرف زنده یاد داکتر نجیب الله شهید اداره میشد. از میان انبوه وظایف، اساسی ترین آنرا عمدتاً سه موضوع تشکیل میداد. اول دفاع از استقلال سیاسی، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی کشور، تامین امنیت دولتی و عموم ملت. دوم رشد آگاهی سیاسی وطنپرستانه و خدمت بمردم افغانستان. سوم خنثی ساختن توطیه ها و دسایس شوم ارتجاع داخلی و خارجی و دشمنان سوگند خورده افغانستان. ارگان امنیت دولتی که از شایسته ترین کادر های ورزیده و پاک نهاد ح.د.خ.ا. تشکیل گردیده بود با دست پاک قلب گرم و مغز سرد وظایف وطنپرستانه خود را انجام میداد. و در شب و روز همچون سربازان فدایی آماده خدمت بوده اند.

قابل یاد آوریست که در زمان حاکمیت ح.د.خ.ا. با آنکه تمام عناصر ارتجاعی و استبدادی در تبتانی با ولینعمتان پاکستانی شان در یک صف نامقدس بر علیه دولت و حاکمیت ملی قرار گرفته بودند ولی نتوانسته بودند که یک سانتی متر از خاک کشور را غصب کنند و آخرین خط پوز آنها در جنگ جلال

آباد مشخص گردید. زیرا کارمندان خاد با عشق بوطن و خدمت به هموطنان عزیز با همکاری مردم شریف کشور، اشخاص جانی و خرابکاران، قاتلین دهشت افگنان، دزدان، قاچاقبران، رشوت خواران اختلاس گران و مفسدین را به پنجه قانون و عدالت الهی می سپردند. آنان در تطبیق قانون تحت تاثیر هیچگونه مسایل مادی و معنوی نرفته زیرا لباس آنها جیب نداشت که در بین آن پول بریزند. در اخیر باید گفت که مهمترین دشمنان حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و کارمندان امنیت دولتی را خصلتاً آدمکشان حرفه وی، دزدان، اختطاف گران، قاچاقچیان مواد مخدر و تخریب کاران ساختار های زیربنایی کشور تشکیل میداد زیرا حزب و دولت دموکراتیک افغانستان آماج هجوم دهشت افگنان و تروریستان اجیر شده از چندین کشور دنیا در یک جنگ غیر عادلانه و نا برابر قرار داشت. بآنهم ح.د.خ.ا. و دولت جمهوری افغانستان به نیروی اتحاد توانسته بود سالها با دفاع مستقلانه از وطن پاسداری کند.

در اخیر باید گفت که حقانیت ح.د.خ.ا. دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان و ارگانهای قوای مسلح، از یکسو به معیار ها و درجه خدمتگذاری آنان معین میشود و از جانبی به میزان دشمنی دشمنان افغانستان با ارگانهای یاد شده مشخص میگردد. زیرا دشمنان سوگند خورده افغانستان، اعضای صدیق حزب و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان را در صدر لیست سیاه شان قرار داده اند. پاکستانی ها که تا اکنون به تجاوزات خود در حریم کشور ما ادامه میدهند همین موضوع گیری شان خود نشاندهنده زبونی و بزدلی ایشان نسبت به ارگانهای یاد شده میباشد. که اجیران داخلی آنها با یک سر و هزار زبان بر علیه اصیل ترین وطنپرستان کشور دست به توطیه و تبلیغ می زنند.

اما مردم شریف افغانستان با توجه به تجارب تلخ و شیرین گذشته اکنون دوستان و دشمنان خود را بخوبی تشخیص داده روز تا روز طلسم مزورانه و ریا کارانه دشمنان افغانستان را با شور وطنپرستی و خردمندانه شان شکستانده و دیگر فریب آنها را نخواهند خورد. اکنون وقت آن رسیده است که وطنپرستان واقعی کشور در یک خط مقدس بدور هم بسیج گردیده بدفاع از وطن و نجات مردم کشور مبارزه دادخواهانه را تشدید بخشیده و در مقابل توطیه و دسایس تجاوز کاران پاکستانی، آدمکشان و دهشت افگنان، بدفاع از منافع عالیای مردم، از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور مبارزه خواهند کرد.

بر افراشته باد پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان!

جاودان باد خاطره تابناک ششم جدی ۱۳۵۸ روز نجات مردم افغانستان!

گرامی باد نام و یاد خاد مان واقعی مردم افغانستان!

عبدالوکیل کوچی

www.esalat.org